

مصاحبه با دکتر بهروز محمودی بختیاری درباره‌ی مسئله‌ی تغییر خط فارسی

هرکسی مجاز به دخل و تصرف در خط فارسی نیست

واژه‌های قدیمی می‌شود. واژه‌های جدید دیگر چندنویسی ندارند. برای نمونه، در مورد کلمه‌های جدید هر صدای «س» را با سین می‌نویسیم. یا هر صدای «ز» را با حرف «ز» می‌نویسیم نه با «ذ» یا «ظ». مشکل اصلی ما بیشتر مشکل پیوسته نویسی و گسسته نویسی و نیز وجود چندین صورت نوشتاری برای یک آوای واحد است. اصل مشکل خط ما این است. در مورد واژه‌های جدید این مسئله مرتفع شده است؛ یعنی یک بار برای همیشه صورت پیوسته یا گسسته‌ی آن تعیین می‌شود و معمولاً از حرفی استفاده می‌شود که بسامد بیشتری دارد.

شما به نقش فرهنگستان به عنوان یک نهاد رسمی و مرجعیت آن برای تعیین شیوه‌های خط فارسی اشاره کردید، اما پیدا است که با وجود تعیین متناوب شیوه‌ی خط از سوی فرهنگستان، بسیاری از فعالان فرهنگی و حتی چهره‌های آکادمیک از دستور خط فرهنگستان پیروی نمی‌کنند. به نظر شما، راه حل این معضل چیست؟

همکاران عزیز می‌گویند که دستور خط فرهنگستان را قبول ندارند، مانند کسانی اند که دستور پلیس راهنمایی و رانندگی را قبول ندارند و از چراغ قرمز رد می‌شوند. راه حل این است که ناشران این کشور موظف به رعایت دستور خط فرهنگستان باشند و کتاب‌های درسی آموزش و پرورش طبق الگوی فرهنگستان نوشته شود تا ما به یک وفاق عمومی برسیم و نظر فرهنگستان کشورمان را همانند نظر قوه‌ی قضاییه در مورد مسائل حقوقی، محترم بدانیم. کسانی که می‌خواهند الگوی نوشتاری خود را داشته باشند، چنانچه این خواست صرفاً جنبه‌ی تفنی داشته باشد، شاید بتوان آن را پذیرفت، اما اگر بخواهند آن را وارد کتاب‌های درسی و الگوهای نوشتاری رایج نمایند، به نظر من، نه تنها ضرورتی برای آن وجود ندارد، بلکه اساساً غیرقانونی است.

مشکل اینجاست که مردم کشور باید بدانند فرهنگستان در عرصه‌ی فرهنگ کشور، یک نهاد قانون‌گذار است و تخطی از مصوبات فرهنگستان، مانند تخطی از دیگر قوانین کشور است. مشکل ما این است که هنوز فرهنگستان و جاهت قانونی خود را میان مردم تثبیت نکرده است. برای همین، خیلی‌ها به خود اجازه می‌دهند که به برابرنهادهای وضع شده توسط فرهنگستان به دیده‌ی تمسخر نگاه کنند یا مصوبات آن درباره‌ی الگوی خط را رعایت نکنند. اگر کارهای فرهنگستان ضمانت حقوقی داشته باشد و این نهاد بتواند برای مصوبات خود ضمانت اجرایی پیدا کند، من یقین دارم که این مشکل در درازمدت حل خواهد شد.

اگر برای پیشبرد هرگونه برنامه‌ریزی اصلاحی در این زمینه بخواهیم دست به کار شویم، تا چه اندازه باید به تجارب گذشته‌ی خودمان در خط فارسی رجوع کنیم و تا چه اندازه باید دستاوردها و راهکارهای زبان‌شناسی جدید را به کار ببندیم. آیا اساساً تجربیات تاریخی خودمان قابلیت کاربست در برنامه‌ریزی‌های جدید را دارند؟

صد درصد دارند. به دلیل اینکه قرن‌ها طبق همین تجارب نوشته‌ایم، خواننده‌ایم و باسواد شده‌ایم. نمی‌توانیم خیلی سریع روی آن تجارب خط بطلان بکشیم. فقط می‌توانیم یک سری از تفاوت‌هایی که مسئله‌ی خواندن، نوشتن، آموزش سواد و نیز مسئله‌ی تحصیلات ابتدایی را تسهیل می‌کند از میان برداریم. تفاوت‌ها و تغییراتی که به هیچ‌روی بحران‌زا نیستند. مثلاً اینکه جدیداً الف مقصوره‌ها را به صورت الف ممدوده می‌نویسند، به هیچ‌عنوان بحران جدی در خط فارسی به وجود نیآورده

دکتر بهروز محمودی بختیاری دارای دکترای زبان‌شناسی عمومی و عضو هیئت علمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. وی در تألیف چندین کتاب درباره‌ی آموزش زبان فارسی مشارکت داشته و کتابی نیز به انگلیسی درباره‌ی ماهیت و کارکرد فعل در زبان فارسی به نگارش درآورده است. در مصاحبه‌ی زیر، وی به ضرورت همکاری متخصصان، جهت انجام پاره‌ای اصلاحات در خط فارسی، اشاره می‌کند.

شما با تغییر بنیادی خط فارسی مخالفید، اما انجام برخی از اصلاحات را مجاز می‌دانید. این اصلاحات در خط فارسی چه بخش‌ها و چه جزءهایی را در بر می‌گیرد؟

من عمده‌ی نظریاتم را در این باره در مقاله‌ای با عنوان «فارسی، مناسب یا ناراس»، که پانزده شانزده سال پیش چاپ شد، بیان کردم. در آن مقاله صراحتاً گفتم که تغییر خط در شرایط فعلی، که دوران انفجار اطلاعات است، به هیچ‌وجه به صلاح نیست؛ چراکه مردم ایران را ناگهان بی‌سواد می‌کند. بی‌سواد به این اعتبار که نمی‌توانند با خطی که به آن عادت داشته‌اند بخوانند و بخش بزرگی از میراث فرهنگی و علمی خود را از دست می‌دهند. این همان بلایی است که در دوره‌ی شوروی بر سر تاجیکستان

آمد. مردم تاجیکستان عملاً سه بار بی‌سواد شدند؛ یعنی نمی‌توانستند از ابزارهای علمی و پژوهشی ادبی خود استفاده کنند، آن را بخوانند و یا بنویسند. باور من این است که می‌توان این الگوی نه چندان آسان خط فارسی را اصلاح کرد. اصلاح آن هم کار آدم‌های منفرد نیست. این فقط وظیفه‌ی فرهنگستان است که اعضای آن متخصص این موضوع هستند. از این رو، هیچ ناشر، نویسنده یا شخص دیگری مجاز به دخل و تصرف در فضای خط فارسی، که ملک مشاع همه‌ی فارسی‌زبانان به حساب می‌آید، نیست.

وقتی چیزی ثروت و سرمایه‌ی ملی است (درست همانند آثار تاریخی مان، مثل تخت جمشید) متعلق به همه است و هیچ‌کس حق دخل و تصرف شخصی در آن را ندارد. درست همان‌طور که کسی حق ندارد قطعه‌ای از تخت جمشید را با خود به خانه‌اش ببرد، کسی هم حق ندارد که خط فارسی را آن‌طور که خود می‌خواهد مورد دخل و تصرف قرار دهد. اگر شما بپرسید که پس حساب کسانی که اکنون در خط فارسی دخل و تصرف می‌کنند چه می‌شود، من می‌گویم این‌ها مانند کسانی هستند که روی ابنیه‌ی تاریخی با میخ یادگاری می‌نویسند. یعنی کارشان به همان اندازه زشت و زننده است.

به نظر شما، در هرگونه برنامه‌ریزی خطی و زبانی در این رابطه تا چه اندازه متخصصان حوزه‌های دیگر هم باید مداخله داشته باشند؟ منظورم متخصصان غیرزبان‌شناس است.

در حوزه‌ی اصطلاح‌شناسی همیشه متخصصان رشته‌های دیگر حضور داشته‌اند؛ یعنی وقتی فرهنگستان می‌خواهد برای علم هواشناسی یا تئاتر و سینما واژه‌سازی کند، معمولاً از متخصصان حرفه‌ای این رشته استفاده می‌کند و آن‌ها را دعوت می‌کند که در این زمینه مشاوره دهند. همین امر در مورد خط هم می‌تواند صادق باشد. مثلاً در برابر نهادهای ساخته شده‌ی جدید برای واژه‌ها، کمتر از «ت»، «ط»، «ذ» که در خط فارسی مسئله دارند، استفاده می‌شود. بیشتر مشکلات ما مربوط به



است، چون هم بسامد آن کم است، هم اینکه مردم آن را پذیرفته‌اند. اما به‌ویژه در مورد پیوسته‌نویسی و گسسته‌نویسی، گاهی اوقات راه افراط را طی می‌کنند. من در همایشی حضور پیدا کرده بودم که نام مرا نوشته بودند «به‌روز محمودی بخت‌یاری از دانش‌گاه تهران» و من به آن‌ها معترض شدم که شما به حدی برای خود آزادی قائل شده‌اید که به الگوی شناسنامه‌ای اسم من هم احترام نمی‌گذارید. در شناسنامه «بهروز» را به صورت یکپارچه نوشته و در تابلوی دانشگاه تهران هم دانشگاه را یک پارچه نوشته است. شما در چه موضعی از قانون‌گذاری هستید که همه‌ی این‌ها را وتو می‌کنید؟ از این رو، به نشانه‌ی اعتراض، در آن سخنرانی شرکت نکردم. وقتی امروز اسم شما را به هرگونه که می‌خواهند می‌نویسند، مقاله‌ی شما را هم هرطور که بخواهند منتشر می‌کنند.

بحث دیگر، وجود کلمات بی‌شمار عربی در زبان فارسی و مشکلاتی است که نگارش واژه‌های خاص عربی ایجاد می‌کند. برخی از متخصصان معتقدند که ما هنوز باید رسم الخط عربی را پیش چشم داشته باشیم؛ یعنی مقتضیات درونی خط عربی را در نگارش واژه‌های عربی مدنظر قرار بدهیم. به نظر شما، آیا چنین چیزی امکانپذیر و درست است؟

خیلی از واژه‌ها و تقریباً تمام واژه‌های عربی که وارد زبان فارسی شده‌اند، رخت و ریخت فارسی به تن کرده‌اند. تلفظ اکثر آن‌ها عوض شده است. مثلاً همه‌ی ما به جای اینکه بگوییم «مرتضی» می‌گوییم «مرتضی»، به جای اینکه بگوییم «ایثار» (th) می‌گوییم «ایسار» (s) و خیلی از وقت‌ها معانی را دگرگون کرده‌ایم. مثلاً در زبان عربی «تماشا» به معنای «با هم قدم زدن» است، «مقروض» به معنای «بریده» است و یا «قطور» به معنای «ابریباران» است، ولی ما به معنی این‌ها کاری نداریم و آن‌طور که می‌خواهیم اراده‌ی معنا می‌کنیم. پس هم از نظر آوایی و هم از نظر معنایی، آن چیزی که خودمان از کلمه‌ی عربی اراده می‌کنیم ملاک است. به نظر من، اگر زمانی تصمیم بگیریم که در الگوی نوشتاری آن دست ببریم، با نظر مساعد فرهنگستان، مانعی ندارد. به این شرط که این قضیه در فرهنگستان مصوب شده باشد. نکته‌ی دیگری که می‌خواهم بگویم این است که ما در سال‌های اخیر، واژه‌های قرضی چندانی از عربی نداریم؛ یعنی آن بخش‌هایی که مربوط به عربی می‌شود در رابطه با همان واژه‌هایی است که در گذشته وارد زبان فارسی شده‌اند. اکثر واژه‌هایی که اکنون وارد زبان فارسی می‌شود، نه از زبان عربی، بلکه از زبان‌های اروپایی هستند. برای همین، تصور می‌کنم که با نظارت فرهنگستان، می‌توان اقداماتی را در این رابطه انجام داد.

به نظر شما، چرا تا مدت‌ها حضور زبان‌شناسان حرفه‌ای و متخصص در مباحث پیرامون مسئله‌ی خط، بسیار کمتر از بقیه‌ی صاحب‌نظران، از جمله ادبا و روشن‌فکران بود. (البته با چشم‌پوشی از دوره‌ای که هنوز زبان‌شناسی جدید علمی وارد ایران نشده بود.)

مسئله اینجاست که حتی در فرهنگستان‌های قبل از انقلاب هم بیشترین اعضای فرهنگستان از استادان ادبیات فارسی بودند؛ یعنی واقعیت این است که آموزش زبان فارسی، دستور زبان فارسی و مسائل مربوط به زبان فارسی تا حد بسیار زیادی، حتی هنوز هم تحت تسلط و سیادت رشته‌ی ادبیات فارسی است. همین‌الآن هم وقتی که نگاه می‌کنیم، اعضای پیوسته‌ی فرهنگستان عمدتاً ادیب‌اند تا زبان‌شناس. برای همین، به نظر من، در این عرصه زبان‌شناسی باید حضور پررنگ‌تری داشته باشد و هنوز این علم، به اندازه‌ای که شایستگی دارد، در فضاهای فرهنگی ما به کار گرفته نشده است. ▀